

هو الله - ای موقن بآیات الله از غرائب اثار...

عبدالبهاء عباس

اصلی فارسی



لوح رقم (219) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،
جلد 8، صفحه 152

هو الله

ای موقن بآیات الله از غرائب آثار و عجائب اسرار پروردگار در هر کور و دوری سر فدا بود یعنی جمعی از کأس ماء طهور مزاجها کافور سرمست و مدهوش شده رقص کنان بقربانگاه فدا میشتافتند و بآتش انجذاب میگذاختند و هلهله گویان و پا کویان خندان و شادمان نعره طوبی لی بشری لی بعنان ملأ اعلی می رساندند ولی تا بحال چنین وجد و سرور و جذب و حبور که در میدان جانفشانی از حضرت روح الله بظهور رسید از نفسی مسموع نشد چه که آن طفل صغیر هنوز بوی شیر از فم مطهرش میآمد با کمال صباحت و ملاحظت چون بدر منیر از افق اغلال و زنجیر رویش تابان و لبش خندان و لسانش ناطق بذکر رحمن و بصرش متوجه بملکوت یزدان بود در تحت سلاسل و اغلال چنان نعره یا بهاء الابهی برآورد و زبان بتبلیغ گشود که شور و وله در ملکوت وجود انداخت و عوانان را مات و متحیر ساخت و خندان و رقصان و پاکویان در میدان فدا جانفشانی نمود یا لیت کنت معه فافوز فوزا عظیما باری اینست قدرت و قوت انجذاب در دور جمال مبارک روحی لشهداء سبیلہ الفدا تا بحال چنین واقع نگشته که کودکی خوردسال گوی سبقت و پیشی را از مردان میدان ببرد و از افق فدا با کمال انقطاع با رخی تابان طلوع نماید اینست شأن نفوس مقدسه در این کور عظیم و اشراق مبین ملاحظه فرمائید طفل صغیری چون بر میثاق الهی ثابت و مستقیم بود بچه سلطان مبینی مبعوث شد که هر منکری مبهوت گشت اینست شأن متمسکین بعهد و پیمان الهی بعضی از گماشتگان که در طریق نگهبان



ORIGINAL

بودند روایت نمودند که آن نوگل بوستان الهی در بین راه در تحت سلاسل و اغلال خندان و غزنخوان بود و
البهآء علیک (ع ع)